

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

چریکهای فدائی خلق ایران
۳۰ سپتمبر ۲۰۲۰

بحران در کومه له و "حزب کمونیست ایران"

با علنی شدن اختلاف در میان صفوف "حزب کمونیست ایران" و سازمان کردستان آن "کومه له"، امروز دیگر کمتر کسی در جنبش از وضعیت بحرانی و وجود اختلافات سیاسی در این تشکیلات، بی اطلاع می باشد. در همین رابطه در طی مدت تقریباً طولانی نوشته های مختلف از زوایای گوناگون از طرف اعضاء و رهبران این تشکیلات مطرح شده و آن ها اتهاماتی را نیز علیه هم مطرح کرده اند. اما به رغم حجم بالائی از اظهار نظر و موضع گیری های گوناگون، هنوز مسایل مورد اختلاف بروشنی و شفافیت کامل به صورت یک پلاتفرم در اختیار جنبش قرار نگرفته است. با این حال، در شرایطی که حتی برای مبارزان درون آن تشکیلات هم کاملاً آشکار نیست که هر یک از طرفین در مورد مسایل اساسی جنبش، دارای چه موضعی بوده و مدافع چه خط سیاسی مشخصی می باشند، مطرح می شود که بحران موجود هر آن ممکن است به انشعابی در صفوف این سازمان منجر شود.

برای یک ناظر بیرونی که مواضع این تشکیلات را در سال های اخیر تعقیب کرده، وجود بحران در این تشکیلات تعجب آور نیست. چون همچنان که از برخی نوشته های رهبران و کادرهای این تشکیلات نیز می توان استنباط نمود، شروع اختلافات در ارتباط با برخی فعالیت ها و موضع گیری های کومه له در کردستان عراق، رقم خورده است. بی شک فعالیت ها و اعمالی همچون مشارکت فعال در "کمیته همکاری کنگره ملی کرد" با حضور جریاناتی نظیر "حزب دمکرات کردستان عراق" (جریان حاکم بارزانی) به مثابه جریاناتی که رابطه شان با امپریالیست ها و دنباله روی از سیاست های آن ها بارها و بارها تأثیرات فاجعه باری در هر چهار پارچه کردستان علیه توده های تحت ستم خلق کرد آفریده است، حضور در اجلاس های نهاد "کمیته دیپلماسی مشترک احزاب و سازمان های کردستانی" و دادن اعلامیه مشترک جهت تحریم انتخابات با سازمان های سیاسی کرد از جمله با جریان اسلامی "خبات" از طرف کومه له به مثابه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و بالاخره برخورد سازشکارانه رهبری این جریان در "محکوم" نکردن تلاش برخی احزاب و جریانات کرد ایران در مذاکره با رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و ... نمی توانست مسایل و بحران هائی را در درون تشکیلات "حزب کمونیست ایران و کومه له" به وجود نیاورد.

در همین رابطه صلاح مازوجی از رهبران "حزب کمونیست ایران" که در جناح مقابل ابراهیم علیزاده رهبر سازمان کردستان این حزب، کومه له قرار دارد ضمن ابراز مخالفت خود با حضور کومه له در اجلاس های "کمیته دیپلماسی مشترک"، توضیح داده است که کمیته مزبور در خدمت بقای جمهوری اسلامی قرار دارد. عین گفته او چنین است:

"لازم است به شرکت کومه له در نهاد زیر مجموعه "ک.ن.ک" تحت نام "کمیته دیپلماسی مشترک" که بیش از سی حزب و جریان ناسیونالیستی و اسلامی در آن حضور دارند و از بیانیه های شان پیداست که در خدمت ستراتیژی بقای جمهوری اسلامی عمل می کنند و هیچ ربطی به منافع کارگران و مردم زحمتکش و ستمدیده ندارد، پایان داده شود". (نقل از مقاله "سیمای سیاسی بحران درونی حزب کمونیست ایران" - مرداد [اسد] ۱۳۹۹ برابر با آگست ۲۰۲۰). در همین مقاله مطرح شده: "اختلاف بر سر نحوه برخورد به احزاب ناسیونالیست و بورژوائی در کُردستان بار دیگر زمانی خود را بروز داد که رفیق ابراهیم علیزاده از جانب کمیته رهبری کومه له در اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۶ به پای دادن اطلاعیه مشترک با این احزاب و سازمان اسلامی خبات برای تحریم انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا رفت... همچنین رفتن به پای اطلاعیه مشترک با جریان حاشیه ئی مانند سازمان اسلامی خبات که از جانب احزاب ناسیونالیست به رهبری کومه له "تحمیل" شد یک عقبگرد سیاسی به شمار می آید". در مورد روابط کومه له با (پ.ک.ک) و شاخه ایرانی اش (پژاک) نیز در این مقاله وجود این رابطه به ضرر این سازمان عنوان شده و گفته شده است که: "رهبری پ.ک.ک بارها از زبان خود یا از زبان رئیس مشترک (ک.ن.ک) یا سخنگویان "پژاک" اعلام کرده که در کُردستان روژ هه لات (منظور کُردستان ایران) باید تلاش شود که مسأله کرد از راه دیالوگ با جمهوری اسلامی از راه سیاسی و دموکراسی حل شود. پژاک (حزب حیات آزاد کُردستان) به عنوان "شاخه کُردستان ایران" (ک.ج.ک) یا پ.ک.ک سال ها است که در راستای همین ستراتیژی عمل می کند. پژاک در جریان نمایش های انتخاباتی جمهوری اسلامی که مکانیسمی است برای مشروعیت بخشیدن به ادامه حاکمیت این رژیم، عملاً با ترغیب و تشویق مردم برای شرکت در این مضحکه ها در راستای مواضع و سیاست های اصلاح طلبان حکومتی عمل کرده و برای این نمایش های انتخاباتی بازار گرمی کرده است. کادرهای رهبری پژاک نیز تا کنون بارها با بزرگ نمایی در مورد خطر سوریه ئی شدن ایران، مردم را از سرنگونی جمهوری اسلامی می ترسانند و راه دیالوگ با جمهوری اسلامی را موعظه می کنند." (از همان مقاله).

عباس منصوران نیز در مقاله "تفاوت ها یا تناقض های سیاسی! در حزب کمونیست ایران و سازمان کُردستان آن «کومه له»، با رجوع به سخنرانی ابراهیم علیزاده در روز ۲۵ بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۸ به مناسبت گرامیداشت روز کومه له، مطرح کرده است که در این سخنرانی جهت به دست آوردن دل احزاب سیاسی راست در کُردستان دو موضوع ستراتیژیک "حاکمیت سیاسی در کُردستان و نیروهای مسلح پیشمرگ در آینده کُردستان" مورد اشاره قرار گرفته که آن چه گفته شده "موازین و برنامه و اهداف کمونیستی حزب و کومه له" (همان جا) را نادیده گرفته است و بیشتر با "جبهه کُردستانی" مورد اعتقاد کاک ابراهیم علیزاده سازگاری دارد.

در برخورد به واقعیت بحران و شکل گیری جناح هائی در تشکیلات "حزب کمونیست ایران و کومه له"، چه فعالان این جریان سیاسی و چه فعالانی که در گذشته با آن همکاری می کردند و سپس از این سازمان خارج شده و بسیاری از آنان اکنون سال هاست که در احزاب و سازمان های دیگری فعالیت می کنند در رابطه با این بحران که ممکن است هر آن به انشعابی در صفوف این سازمان منجر شود به اظهار نظر و موضع گیری پرداخته اند. موضع گیری هائی که گاه به طور غیر مسؤولانه و در جهت اهداف تنگ نظرانه، طرفین را به انشعاب دعوت می کنند و بدون توجه به منافع جنبش و با بی اصولی تمام تنها سعی در تشدید تضاد های دو جناح شکل گرفته در این سازمان را دارند.

از جمله جریانی که نیروهای درون "حزب کمونیست ایران و کومه له" را تشویق به انشعاب می کند، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست می باشد. حکمتیست ها، بدون توجه به منافع و مصالح جنبش خلق کُرد و توده ها در شرایط کنونی در تنور بحران درونی کومه له، پیگیرانه مشغول ریختن بنزین بر آتش، آن هم برای پختن نان آلوده خود می

باشند. این ها کار را به آن جا رساندند که به جناحی که در این بحران آن را "چپ" می نامند ، رهنمود می دهند که باید جدا شده و "به سازمان های کمونیست بپیوندند". (آذر ماجدی - نوستالژی کومه له "کومه له کمونیست" ، فرصت تاریخی از دست رفته!) بدون آن که اساساً مسأله شان این باشد که این امر چه مشکلی را قرار است از دوش جنبش بردارد.

برخورد حکمتیست ها ، نه اتفاقی، بلکه ادامه منطقی همان اندیشه و در واقع پروژه مخربی ست که جماعت منصور حکمت (رهبر فکری این حزب) در محفل سهند در سال های ۶۰ برای کومه له به ارمغان آورد؛ و از جمله با تشکیل حزبی که به طور غیر اصولی آن را حزب کمونیست نامید و به رسمیت شناختن ناسیونالیسم کومه له و دادن حق ویژه به آن و بالاخره با سوء استفاده از نیروی توده ئی کومه له، در یک پروسه ضربات فاجعه باری به کومه له و به جنبش خلق کرد وارد نمود و باعث انشقاق و ناامیدی و پراکندگی وسیعی در نیروهای سالم و انقلابی متشکل در کومه له آن زمان گشت. امروز همان اندیشه ناسالم توسط احزاب کاغذی پیرو منصور حکمت در تلاش شان برای تجزیه "حزب کمونیست ایران و کومه له" و به هرز بردن انرژی مبارزاتی نیروهای صادق این نیروی سیاسی در جریان بحران جاری بروشنی خودنمایی می کند.

مسئلاً، انشعاب و جدائی در احزاب سیاسی فی نفسه امر منمومی نیست ، بلکه همچون هر پدیده دیگری باید آن را با شرایطی که در آن اتفاق می افتد و نتایجی که بر روند مبارزه و انقلاب و جنبش توده ها بر جای می گذارد سنجید. بنابراین ضروری است در مواقع بحران و قطب بندی در سازمان های سیاسی و از جمله سازمان های چپ، دو طرف مبانی نظری خود و دلیل اصلی اختلاف و بحران موجود را روشن و به صورت پلاتفرمی مشخص تدوین نمایند تا اگر انشعاب غیر قابل اجتناب بود در درجه اول بدنه سازمان مربوطه و توده های هوادار قادر به موضع گیری و انتخاب جناح نزدیک به دیدگاه های خود باشند.

از سوی دیگر، انشعاب وقتی معنایی انقلابی پیدا می کند که این جدائی در خدمت دفاع از اصول انقلابی و خط انقلابی بوده و در خدمت تسهیل و هموار کردن راه رشد جنبش قرار گیرد. تجربه انشعابات غیر اصولی که در آن ها دلایل واقعی انشعاب و این که هر جناح از چه مواضع و برنامه ای حمایت می کند به طور شفاف و آشکار در اختیار نیروهای تشکل مربوطه و جنبش قرار داده نشده، ثابت کرده اند که تأثیر منفی در جنبش به جای گذاشته و حتی باعث یأس و انفعال نیروهای خود آن تشکل می گردد و در نتیجه نمی تواند باعث تقویت جنبشی گردد که جریان سیاسی مربوطه بخشی از آن می باشد. بنابراین، نیروهای انقلابی و مسؤول در یک تشکیلات موقعی باید تن به انشعاب بدهند که آن انشعاب واقعاً به نفع رشد و تعالی جنبش انقلابی باشد.

بی شک آینده نشان خواهد داد که نیروهای مبارز درون کومه له که می کوشند با مبارزات و تلاش های خویش پایبندی و احساس مسؤولیت شان نسبت به خواست خلق تحت ستم کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت و آزادی از چنگال امپریالیست ها و رهائی از تمام اشکال ستم امپریالیستی را نشان دهند، نیروهایی که همچنان به نابودی جمهوری اسلامی به عنوان دشمن قسم خورده کارگران و همه خلق های تحت ستم ایران و منطقه معتقدند ، تا چه حد قادر خواهند شد تا با ترسیم خط و مرزهای واقعی اختلافات درونی خود در عمل، به اصول شناخته شده در این زمینه وفادار بمانند.

چریکهای فدائی خلق ایران

۷ مهر [میزان] ۱۳۹۹ - ۲۸ سپتمبر ۲۰۲۰